بدنامی برنامه «هویت» و خوشنامی دکتر زرین کوب

سلطانی، محمد علی

آقای وزیر!

وقتی به انگیزه اطلاع از جریان تشییع‏جنازه استاد عبد الحسین زرین‏کوب اخبار استان‏ سیمای جمهوری اسلامی ایران را تماشا می‏کردم چهره شما را دیدم که از استاد زرین‏کوب‏ تجلیل می‏کنید و در دلم بر شجاعت،شعور،انصاف،تدین و خرمندیتان صدآفرین گفتم و از این‏که به همت وزیر فهمیده و خردمندی لکه ننگ برنامه بدنام«هویت»از دامن جمهوری‏ اسلامی ایران زدوده می‏شود بسیار مسرور شدم.نمی‏دانم آن بی‏هویتان که با آن برنامه بدنام‏ تلاش می‏کردند انقلاب سالامی ایران را دشمن فرهنگ،دانش و فهم و شعور معرفی کنند چه‏ خاطره تلخی از انقلاب اسلامی ایران و مردم مسلمان و فرهنگ‏دوست ایران داشتند که چنان با مقراض بی‏خردی شاخ و بال سرسبز و پرنشاط درخت تنومند و ادب سرزمین ادب‏پرور ایران‏ اسلامی را از آن جدا می‏کردند و هرخردمند و فهیمی را تنها به جرم فهمیدن مورد یورش و تهاجم قرار می‏دادند.

همه اهل فهم و ساکنان سرزمین خردمندی می‏دانستند و می‏دانند که آن برنامه بدنام بر مقام‏ والای استاد نه تنها ضربه‏ای نزد که بر خیل علاقه‏مندان وی افزود و بسیاری را بر کنجکاوی‏ واداشت و از سر همین کنجکاوی به خواندن آثار آن بزرگ رهنمون شدند و دل در گرو عشق به‏ خلوص،دانش،فرهنگ‏مداری و خردمندی زرین‏کوب سپردند.از این جهت خردمندان از آن برنامه بدنام دل‏آزرده نشدند بلکه شاکر و قدردان هم شدند و از این‏که زرین‏کوب از نعمت‏ معاندانی نادان بهره‏مند گشته است در هم شدند،اما آن‏چه که دردآور بود این بود که چرا اینان‏ سیمای جمهوری اسلامی ایران را برگزیده‏اند و چنین لکه ننگی را بر دامن سیمایی بنشانند که‏ وجود خود را مدیون انقلابی است مبتنی بر فرهنگ،دین و عشق به آزادی و خردمندی!

فردا که فرزندانمان سرانگشت تدبیر را با نم انصاف‏تر کنند و کتاب زندگی فرهنگ جمعی‏مان‏ را ورق بزنند به حتم چشمشان بر خطوط سیاه آن برنامه بدنام در کارنامه فرهنگیان خواهد افتاد و بیم آن می‏رفت که داوری شتابزده کنند و قلمی را که آن خطوط سیاه را کشیده در دستان همه ما ببینند و ما را بر جفاکاری بر پرچمداران فرهنگ و دانستن متهم کنند.اما اکنون که مطبوعات دوم‏ خرداد به عنوان وفاداران انقلاب اسلامی و نیز وزیری اهل ادب و از جمع اهل قلم تجلیل و به‏ تشییع پیکر یکی از ستارگان درخشان آسمان ادب و دانش می‏پردازند به حتم توهم بی‏خردی‏ همگانی را از بین خواهند برد و آیندگان را بر این حقیقت رهنمون خواهند ساخت که اگر در دوره‏هایی هم خاروخاشاکی‏ها فراز آیند و چهره زیبا و زلال فرهنگ را ببالایند.زلالی فرهنگ‏ و تمدن این مرزوبوم را همواره نمی‏توانند از بین ببرند.

کدام علاقه‏مند به تاریخ و تمدن اسلامی است که کتاب‏هایی چون بامداد اسلام،کارنامه‏ اسلام،تاریخ ایران بعد از اسلام و حتی دو قرن سکونت را بخواند و از گستره آگاهی و تسلط زرین‏کوب بر تاریخ و تمدن اسلامی شگفت‏زده نشود.

کدام شیفته عرفان و اخلاق اسلامی است که کتاب‏هایی چون از کوچه رندان،پیرگنجه در جست‏وجوی ناکجاآباد،پله‏پله تا ملاقات خدا،سر نی،بحر در کوزه،ارزش میراث صوفیه و جست‏وجو در تصوف ایران را مطالعه کند و در خود احساس همگانی با رندی حافظ،هم‏سفری‏ با نظامی پیرگنجه برای یافتن ناکجاآباد نکند و با پیر بلخ پله‏پله به ملاقات خدا نشتابد و گوش‏ دل به سر نی و بحر صفا را در کوزه نبیند و بر ارزش میراث صوفیه در تاریخ و تمدن اسلامی تأمل‏ و از سر انصاف ننگرند.

زرین‏کوب در کدام حوزه قلم در دست گرفته و خوب‏ها را به خوبی ننوشته است؟آن‏گاه که به‏ حوزه شعر و شاعری پرداخته آثار ارزشمند فلسفه شعر،ترجمه بنیاد شعر فارسی،ترجمه قصیده‏ ترسائیه خاقانی،فن شعر،شعر بی‏نقاب،:سیری در شعر فارسی و مقالات بسیاری‏ در دیگر کتاب‏هایش از خود به جای گذاشته است هنگامی که به نقد آداب و فنون آن روی آورده‏ نوشته‏های پرباری چون نقد ادبی،و آشنایی با نقد ادبی را تقدیم اهل خرد کرده است.

در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی آثار بسیاری چون روزگاران ایران،روزگاران،دو قرن سکوت‏ و ده‏ها مقاله دیگر در کتاب‏های دیگرش را به یادگار گذاشته است.

در زمینه تاریخ ادبیات کتاب‏های خواندنی چون از گذشته ادبی ایران،ادبیات فرانسه در قرون‏ وسطی و چندین اثر دیگر که در هرکدام از آنها اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خواننده‏ می‏گذارد،نگاشته است.و از همه این حوزه‏ها پربارتر حوزه عرفان،تصوف و اخلاق است که‏ بیشترین کارهای زرین‏کوب را به خود اختصاص داده است.شعله طور،پیرگنجه،پله‏پله تا ملاقات خدا،نقش بر آب،بحر در کوزه،سر نی،با کاروان اندیشه،جست‏وجو در تصوف ایران و دنباله جست‏وجو در تصوف ایران،از کوچه رندان و نردبان آسمان که داستان غم‏بار غارت آن‏ حکایتی است که همچنان باقی است.

بر روان پاک آن خردمند جاودان نام درود می‏فرستم و بر این‏همه میراث ماندگار سپاس‏ می‏گذارم و از صمیم دل بر فرهنگ‏پروری این مرزوبوم که ریشه در اعماق دارد افتخار می‏کنم و بر سعه‏صدر و دریادلی دین همیشه جاودان اسلام که در سایه‏سار خویش طراوت و سرزندگی‏ فرهنگ‏ها و تمدن‏های انسانی را تضمین می‏کند،فراگیری روزافزون را آرزومندم.

حوزهء علمیهء قم-شهریور 1378